



طباطبایی: یک نقد فوق‌العاده جدی ادوار خانم بی‌مهری‌ها نسبت به آن‌ها است. گاهی تا سال‌ها به یکی از ادوار خانم مراجعه نمی‌کنند. آن خانم آن قدر از اتفاق‌های بعد از تشکل ناراحت است که رغبت نمی‌کند حتی جواب تلفن فعالان فعلی را بدهد

من یک دختر دانشجو هستم!

بررسی دانشگاه و مسأله هویت بخشی به دختران

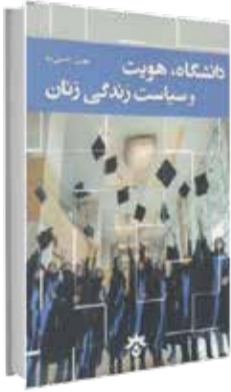


هویت بخشی از سوی دانشگاه به دلیل آن است که عرصه‌های اجتماعی دیگری برای زنان وجود ندارد که همچون دانشگاه، از توانایی هویت بخشی توأم با ایجاد حداقلی از منزلت اجتماعی برخوردار باشند. این منظر افزایش حضور غیردفعمند زنان در دانشگاه می‌تواند - اگر نگوییم کژکارکرد تبدیل گردد و در گذر زمان شاهد درصد بالایی از زنان دانشجو خواهیم بود که در یک نقطه این دوران برای آنان تمام شده و به دلیل نبود جایگزین هویت بخش دچار سردرگمی و احساس ناامیدی خواهند شد

شاهد آن هستیم که بخش قابل توجهی از زنان اگرچه به دلایل مختلفی همچون عدم تمایل فردی یا نبود بسترهای مناسب، شاغل نبوده و حتی در آینده برای آنان تصویری از شاغل شدن وجود ندارد اما به تحصیل در نگاه می‌کنند. به نوعی این دسته قابل توجه از زنان به عبارت «من دانشجو هستم» به عنوان یک نقش مهم در هویت بخشی اجتماعی خود که تکمیل کننده هویت کلی آنان است استناد می‌کنند. دانشگاه برای دختران و زنان ایرانی در دهه‌های اخیر به جایگاهی تبدیل شده است که به حفظ قالب دانشجو در کنار تمامی نقوش دیگر یک تمایل دائمی وجود دارد. در این فرایند از یک سو دانشگاه به جهت آنکه توانسته بخش مهمی از هویت زنان را در عین افزایش آگاهی و علم آنان، شکل دهد قابل تقدیر است، اما از سویی دیگر این هویت بخشی از سوی دانشگاه به دلیل آن است که عرصه‌های اجتماعی دیگری برای زنان وجود ندارد که همچون دانشگاه، از توانایی هویت بخشی توأم با ایجاد حداقلی از منزلت اجتماعی برخوردار باشند. از این منظر افزایش حضور غیردفعمند زنان در دانشگاه می‌تواند - اگر نگوییم آسیب- به امری کژکارکرد تبدیل گردد و در گذر زمان شاهد درصد بالایی از زنان دانشجو خواهیم بود که در یک نقطه این دوران برای آنان تمام شده و به دلیل نبود جایگزین هویت بخش دچار سردرگمی و احساس ناامیدی خواهند شد

اسماء مقدم
دانشجوی ارشد علوم سیاسی و فعال حوزه زنان

تاریخ مطالبات زنان ایرانی که بعد از انقلاب مشروطه به صورت جدی آغاز شد، حاکی از آن است که اولین خواسته جدی زنان سوادآموزی برای آنان بود. این مطالبه که در گام‌های آغازین خود در اولین نشریات زنانه و فضاهای روشنفکری زنان در آن زمان مطرح گردید، در دوره خود به عنوان یک حرکت پیشگامانه برای زنان به شمار می‌آمد. حرکتی که اگرچه موافقان و مخالفان خود را داشت اما شروع سوادآموزی را برای زنان به ارمان آورد. حرکتی که در گذر زمان و به برکت انقلاب اسلامی، امروزه حضور چند برابری دختران در دانشگاه‌ها را رقم زده است. این یادآوری تاریخی می‌تواند بیانگر یک گزاره قابل تأمل در خصوص حضور امروزی یک عنصر کلیدی در شکل دهی بخش مهمی از هویت زنان است. عنصری که در نخستین بذر کاشته شده آن در یکصد سال پیش نیز در پی افزایش حضور اجتماعی زنان از طریق سوادآموزی بوده است. اساساً در شکل گیری هویت هر فرد عوامل متعددی تأثیرگذار است و در شکل گیری هویت زنان که عموماً یک مقوله چند لایه است، آن عوامل شکل دهنده به شکل ویژه‌ای نقش کلیدی تری ایفا می‌کنند. بررسی‌های انجام شده در این زمینه نشان می‌دهد که محیط دانشگاه در سال‌های اخیر توانسته به یکی از مهم‌ترین عوامل شکل دهنده هویت دختران تبدیل شود. در همین راستا



اگر علاقمند هستید بیشتر در این خصوص مطالعه کنید این کتاب می‌تواند کمک کننده باشد

نگاهی به رویداد آموزشی حوزه زنان و خانواده سهپیا



رویدادها در حوزه زنان و خانواده می‌توانند به گسترش ایده‌های نو و توانمندسازی فعالان این حوزه کمک کنند. یکی از رویدادهای برگزار شده در این حوزه که مختص فضای دانشجویی است رویداد «سهپیا» است که با هدف پرورش نیروی فعال و تأثیرگذار در حوزه زنان و خانواده در تهران آغاز شده است. تیم برگزارکننده این رویداد در خصوص چرایی انتخاب این موضوع در سایت خود نوشته‌اند: «به دلیل آنکه از یک سو فعالان دانشجویی در سال‌های اخیر به طور ویژه فعالیت خود را در حوزه زنان و خانواده متمرکز کرده‌اند و از سویی دیگر تلاش و قدرت جریانات فمینیستی در دانشگاه‌ها در حال جذب قشر جوان و تحصیلکرده

است، گام اول این گروه تمرکز بر مسأله زنان و خانواده است اما کلان مسأله این گروه تربیت کنشگر فعال دانشجو در بین دختران است.» این رویداد که توسط جمعی از ادوار گذشته اتحادیه‌های دانشجویی طراحی شده، ویژه دانشجویان و فارغ التحصیلان ۱۳۹۹ به بعد است. استادانی همچون فریبا عباسوند، فاطمه قاسم‌پور، زهرا داورپناه، سیده راضیه حسینی و... در این رویداد تدریس می‌کنند. روند آموزشی به صورت شبیه‌سازی ساختارها و رسانه‌های فعال در حوزه زنان و خانواده بوده و شرکت‌کنندگان پس از بخش حضوری اول تا دو هفته به صورت مجازی، تیمی و با راهنمایی منتورها بر روی پروژه‌های خود کار می‌کنند.

سهو یا عمد جلسات را به ترتیبی - مثلاً در یک ساعت نامناسب- برگزار می‌کنند که خانمی نمی‌تواند شرکت کند. یکی از مسائلی جدی این است که در ساختار جامعه کنونی ما اصل مسئولیت فرزندان با مادر است. مخصوصاً بانویی که بچه‌ای در سنین زیر هفت سال دارد، خیلی محدودیت دارد ولی پدر چنین محدودیتی ندارد. باید نگاه مسئولان اصلاح شود تا بستری فراهم شود که خانم بتواند با فراغ بال بیشتری فعالیت کند. همچنین باید ساختارهای اجتماعی خودمان را اصلاح کنیم تا نزدیکان به نقش مادری کمک بدهند. نکته دیگر اولویت‌های دینی بی‌جایی است که دخترهای حزب‌اللهی دارند. به عنوان نمونه اینکه فکر می‌کنند هرچقدر خانه‌شان بیشتر برق بزند و بهتر بچه‌داری کنند، یعنی شأن زن کامل را رعایت کردند و به صحبت‌های حضرت آقا هم استناد می‌کنند. برداشتشان این است که حضرت آقا وظیفه دیگری برای آنان قائل نشده است. این فضای اولویت‌دهی ذهنی نیاز به بازتعریف دارد. بسیاری از لیدرها و اعضای جریان‌های اخیر خانم بودند. پس این نشان می‌دهد ما تکلیفی جدا از فعالیت‌های خانوادگی هم داریم.

در برخی جوامع مانند شهرهای کوچک‌تر و جنوبی، فعالیت خانم‌ها را بد می‌دانند؛ به عنوان نمونه خانم متأهلی را دیدیم که از پدرش تنگ می‌خورد، چون فعالیت جهادی می‌کرد. مسأله دیگری که من دیده‌ام این است که خانم‌هایی که درآمدی دارند، فعالیت اجتماعی و عام‌المنفعه بیشتر و بهتری دارند. به عنوان نمونه خانم می‌گوید من باید برای فلان فعالیتت ماشین کرایه کنم و همسر من پول را در اختیار من قرار نمی‌دهد. اینها خیلی ناراحت کننده است. ما نیازمند طراحی‌های ویژه بانوان هستیم. این طراحی گاهی ممکن است واقعاً پیچیده هم نباشد. ممکن است از دل خانواده‌ها بیرون بیاید. به عنوان نمونه خانم‌ها به همدیگر کمک کنند. بخش دیگری می‌تواند مطالبه تشکل‌های دانشجویی باشد، طراحی‌های ساختاری و سازمانی است. بخشی از این طراحی‌ها اصلاً جنبه مالی هم ندارد.

جام بزرگ: در بین فعالیت‌های دانشجویی فضای جهادی فضایی منعطف‌تر است. در واقع برنامه‌ها پروژه محور جلو می‌رود و هر کسی حتی بعد از فارغ التحصیلی می‌تواند بر اساس شرایط زندگی شخصی، زمانش را با برنامه‌ها منطبق کند. حتی می‌تواند در خانه زمان بگذارد. البته گروه دانشجویی برگزارکننده باید این شرایط را فراهم کرده باشد.

زورمند: به طور کلی یک زمانی الگویی ارائه می‌شد و گفته می‌شد شما هم باید سعی کنید شبیه این الگو بشوید اما اکنون به نظر می‌رسد بهتر است هر کسی مدل خودش را بشناسد و متناسب با شرایط و شخصیت، مدل فعالیت برای خودش ایجاد کند و این کار شدنی هم هست.

نصیری: آقایان در فضای اجتماعی بهتر و بیشتر دیده می‌شوند و به همین واسطه، بعد از فارغ التحصیلی هم امکان مانور بیشتری برای فعالیت دارند ولی در مورد دخترها این موضوع کم‌رنگ‌تر است



برای اثبات، بعد از یک مدتی سرخوردگی ایجاد می‌کند. این موضوع در کل کشور وجود دارد و با قانون اصلاح نمی‌شود. به عنوان مثال یک قانون برای مرخصی زنان گذاشته و اجرا نمی‌شود؛ چون پیش‌زمینه ذهن آن آقای کارفرما این است که من اصلاً نیروی خانم نگیرم که بخواهم به او مرخصی بدهم. همزمان با این تلاش برای اثبات، آن بحث برجسب خودنمایی کردن به دختران زده می‌شود. به طور کلی برای خانم‌ها خیلی بیشتر همه در تشکل ساخته می‌شود و آنها هزینه بیشتری برای فعالیت می‌دهند. این حواشی باعث می‌شود که آنها بعد از فعالیت دانشجویی، از این فضا فاصله بگیرند تا به آرامش روانی برسند. البته خانم‌ها نباید در تلاش برای اثبات خود، به ورطه افراط بیفتند. گاهی خانم‌ها در فضای لجبازی قرار می‌گیرند که در این صورت تلاش تمام کسانی که می‌خواهند توانمندی خانم‌ها را اثبات کنند زیر سؤال می‌برند.

جام بزرگ: این دید مردسالارانه حتی در فضای جهادی هم هست. چون اردوهای جهادی در ابتدا از فضای مردانه شروع شده، این ذهنیت وجود دارد که این فضا همچنان مردانه است. حتی با وجود اینکه حضور خانم‌ها بیشتر است و گاهی باید بگردیم دنبال داوطلب آقا - چون ممکن است فرد درگیر کار و درس باشد و این کارها اولویت کمتری برایش داشته باشد - با این حال، در نهایت کسی که به عنوان نماینده نیروهای جهادی باید تصمیم‌گیری کند باز هم آقایان هستند. به خانم‌ها به چشم عامل اجرایی نگاه می‌شود، یعنی تصمیم‌گیری‌ها انجام و به مسئولان خانم ابلاغ می‌شود و بیشتر داوطلب‌ها که خانم هم هستند، اجرا می‌کنند و باز گزارش کار توسط آقایان ارائه می‌شود. این بحث خسته شدن که دوستان مطرح کردند واقعاً وجود دارد. گاهی ممکن است حتی نظرسنجی هم از خانم‌ها صورت نگیرد.

یوسفی: در کنار نگاه مردسالار که بخوبی گفته شد، باید مراقب باشیم که منصفانه نگاه کنیم؛ گاهی برخی آقایان بیشتر از خود خانم‌ها برای اثبات توانمندی آنان تلاش می‌کنند. مردان سؤالی دارند با این مضمون که همان‌طور که در زمان جنگ و انقلاب، خانم‌ها پشت صحنه بودند و آقایان می‌جنگیدند چرا اکنون اینگونه نباشد؟ در واقع احساس می‌کنند که خانم‌ها تحت تأثیر فمینیسم به صورت ناخودآگاه تمایل به دیده شدن دارند. جواب ما به این سؤال در مسأله چهره‌سازی است؛ شاید اوایل انقلاب این نگاه قابل تحمل بود اما اکنون می‌بینیم که چقدر جریان مخالف، چهره‌سازی می‌کند. حتی این نگاه بین خانم‌های انقلابی هم وجود دارد که فقط دنبال این هستند که کار جلو برود و لزومی به دیده شدن خود نمی‌بینند.

در خصوص به حاشیه رانده شدن فارغ التحصیلان ما کم صبر هستیم. می‌خواهیم چند هندوانه را با هم برداریم تا ثابت کنیم که یک زن تراز هستیم؛ همسری، مادری، فعالیت، کار، تحصیل و... ما باید به این روند مقطعی نگاه کنیم. به عنوان نمونه گاهی دختر تشکلاتی به هر دلیل بعد از فارغ التحصیلی می‌خواهد یک مقطعی را استراحت کند، این هیچ اشکالی ندارد. شاید این به او کمک کند تا در ادامه بهتر عمل کند. البته که زودتر رجوع کردن تشکل‌ها به این افراد به بازگشت سریع‌تر آنها کمک می‌کند.

طباطبایی: تشکل نمونه، یک جمع ولایی است. بنابراین ما باید در آن، تمام مؤلفه‌هایی که کمک می‌کند یک جمع ولایی شکل بگیرد را لحاظ کنیم. در این صورت این قدر مسأله جنسیت مطرح نمی‌شود؛ هر فرد طبق توانمندی‌هایش وظایفی را می‌پذیرد و همه به او کمک می‌کنند. به عنوان نمونه من قبول ندارم که همیشه و همه جا تحلیل سیاسی یا مدیریت آقایان قوی‌تر است. اتفاقاً برعکس این شرایط را گاهی دیده‌ام. این نبود نگاه جمع ولایی در تشکل‌ها، به خانم‌ها ضربه دوچندان می‌زند. به عنوان نمونه آقایان به

اجتماعی داشت و در عین حال ظرافت‌های زنانه را هم حفظ کرد. مخصوصاً در فضای مذهبی، خانم‌ها برای حفظ حدود ارتباط با آقایان و جلوگیری از آسیب‌ها ترجیح می‌دهند که روحیات زنانه خود را کنار بگذارند که این مسأله زمینه‌ای برای بروز مشکلاتی در آینده می‌شود.

نکته دیگر این است که آقایان بواسطه فضای مردسالار، در فضای اجتماعی بهتر و بیشتر دیده می‌شوند و به همین واسطه، بعد از فارغ التحصیلی هم امکان مانور بیشتری برای فعالیت دارند ولی در مورد دخترها این موضوع کم‌رنگ‌تر است. مقایسه تعداد مسئولیت‌هایی که آقایان و خانم‌های تشکلی بعد از فارغ التحصیلی می‌گیرند گواه این موضوع است. مطمئناً فضای شایسته‌سالاری خیلی مهم است و هم خانم‌ها هم آقایان بعد از فارغ التحصیلی جهت ورود به عرصه مسئولیت نیاز به دانش و تجربه دارند اما اینکه بخش زیادی از آقایان بواسطه تجربه تشکلاتی امکان ورود به عرصه مسئولیت را دارند ولی این امکان برای بخش زیادی از خانم‌ها فراهم نیست نشان از نبود شایسته‌سالاری و به رسمیت شناخته نشدن تجربه دختران است.

زورمند: مسأله جدی به نظر من مربوط به بعد از فضای دانشجویی است. فردی که در دانشگاه فعالیت دارد به نسبت همسن و سالان خودش از درک و دغدغه‌مندی بالاتری برخوردار است. همچنین فارغ از نقدهایی که شد این فضای جذاب است. با این حال فضای فعالیت برای دخترها حالت سینوسی شدیدی دارد؛ یعنی فردی که در فضای دانشجویی در نوک قله فعالیت است، بعد از دوران دانشجویی به یک باره فعالیتش صفر می‌شود. یک خانم می‌تواند در تمام ابعاد اجتماعی خودش را رشد دهد اما باید ببینیم که تزامم فعالیت خانوادگی و اجتماعی برای خانم‌ها وجود دارد. اگر به این موضوع توجه نکنیم، اصلاً خوب نیست. باید همکاری وجود داشته باشد تا این خانم هم بتواند فعالیتش را ادامه دهد. ما برای کنشگری اجتماعی یک بازه را می‌بینیم؛ از یک سمن گرفته تا فعالیت‌های دیگر که اثرگذاری بیشتری دارند. طبق آمارها خانم‌ها بیشتر از آقایان زمان خود را برای فعالیت‌های اجتماعی داوطلبانه می‌گذرانند. این فعالیت‌ها می‌تواند بیش از اینها شود ولی این بستر برای دخترها فراهم نیست. شاید این دختران ظاهراً از فعالیت کناره‌گیری کنند ولی در آینده دچار سرخوردگی می‌شوند. چون به هر حال افرادی هستند که دنبال اثرگذاری بوده‌اند اما اکنون نمی‌توانند این روحیه و حس و حال خود را برآورده کنند.

جعفری: نخستین مشکلی که در لحظه ورود دخترها به تشکل‌ها وجود دارد بحث اعتماد به نفس آنها است. آنها در عین توانمندی نسبی، از ورود به فعالیت می‌ترسند. فضای مردسالار تشکل‌ها که اشاره شد واقعاً خانم‌ها را خسته می‌کند. این تلاش

جعفری: خانم‌ها نباید در تلاش برای اثبات خود، به ورطه‌ای افراط بیفتند. گاهی خانم‌ها در فضای لجبازی قرار می‌گیرند که در این صورت تلاش تمام کسانی که می‌خواهند توانمندی خانم‌ها را اثبات کنند زیر سؤال می‌برند

